

اهل بیت و انجیل

محمد کاظم رحمان ستایش^۱

زهرا سادات قهاری^۲

چکیده

انجیل بخش اصلی کتاب مقدس مسیحیان، در عصر نزول قرآن کریم و نیز در عصر حضورائمه اطهار مورد استناد اهل کتاب بوده است. اهل بیت به عنوان جامع علوم انبیا، در پاره‌ای از روایات خویش به بیان بخش‌هایی از تعالیم انجیل پرداخته و در احتجاجاتشان با مسیحیان، به کتاب آنان استناداتی داشته‌اند. در این مقاله با استفاده از این روایات دیدگاه اهل بیت نسبت به انجیل موجود روشن می‌شود و با تطبیق این روایات با انجیل فعلی قسمت‌های اصیل انجیل کنونی بازشناسی می‌شود.

کلید واژه‌ها: انجیل، اهل بیت، انجیل اربعه، روایات.

مقدمه

انجیل یکی از کتب آسمانی است که در خلال رسالت حضرت عیسی به وی اعطا شده است. این کتاب، موضوع بسیاری از آیات و روایات قرار گرفته است. در آیات متعددی از قرآن کریم از انجیل به عنوان کتابی آسمانی سخن رفته،^۳ و پذیرش حقانیت آن از سوی مسلمانان از شروط ایمان دانسته شده است.^۴ بدین سبب انجیل نزد مسلمانان تقدس و حرمتی خاص دارد و در برخی ادعیه و اذکار به آن سوگند یاد شده

۱. استادیار دانشگاه قم.

۲. کارشناس ارشد قرآن و حدیث.

۳. سوره آل عمران، آیه ۳ و ۴۸؛ سوره مائده، آیه ۴۶ و ۱۱۰؛ سوره حدید، آیه ۲۷.

۴. سوره بقره، آیه ۴؛ سوره نساء، آیه ۶۰ و ۱۶۲.

است.^۵

مسلمانان معتقدند که انجیل موجود دچار تحریف شده است. از سوی دیگر اهل بیت به عنوان جامع علوم انبیا، در پاره‌ای از روایات خویش به بیان بخش‌هایی از آموزه‌های انجیل پرداخته و در احتجاجاتشان با اهل کتاب، به انجیل آنان استناداتی داشته‌اند. با توجه به این که امروزه نوشته‌های متعددی به نام انجیل موجود است، این سوال مطرح است که دیدگاه کلی اهل بیت درباره این کتاب چیست؟ همچنین اهل بیت در مناظرات خویش کدام کتاب مسیحیان را قصد کرده‌اند؟ و نیز منقولات ائمه از انجیل با کدام یک از انجیل موجود سازگارتر است؟ و آیا بهره‌هایی از انجیل اصیل در انجیل فعلی موجود است یا نه؟ و اگر پاسخ مثبت است کدام بخش‌ها دارای اصالت است؟ این نوشتار در صدد پاسخ به این پرسش‌ها است.

اهل بیت و انجیل اصلی

بسیاری از کاربردهای ائمه از لفظ انجیل ناظر به انجیل تحریف نشده است. ماهیت نزول انجیل و کلیت محتوای این کتاب آسمانی را می‌توان از خلال روایات دریافت.

الف) نزول انجیل

مسیحیان کنونی نزول انجیل به عیسی به عنوان حقیقتی خارجی را منکرند. در میان آنها هیچ کس معتقد نیست که بخشی از انجیل موجود یا هیچ کتاب دیگری را حضرت عیسی - علیه السلام - آورده است. آنها می‌گویند معنا ندارد که آن حضرت کتابی بیاورد، چون کتاب، وحی است، و وحی با واسطه از سوی خدا بر انسان نازل می‌شود؛ در حالی که حضرت عیسی - علیه السلام - خود خدا و کلمه است. پس خودش وحی است، و زندگی و سیره و گفتار او برای هدایت انسان‌ها کفایت می‌کند. آنها معتقدند این مجموعه را کسانی نوشته‌اند که مورد تأیید روح القدس بوده‌اند.^۶

در نگاه اهل بیت، انجیل به صورت یک مجموعه‌ای مکتوب بر حضرت عیسی نازل شده است. در روایتی از رسول خدا بر این موضوع تصریح شده است:

عَنْ يَزِيدَ بْنِ سَلَامٍ أَنَّهُ سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فَقَالَ: لَمْ يُمَيِّ الْفُرْقَانُ

۵. اقبال الأعمال، ص ۱۱۳؛ البلد الأمين، ص ۵۸.

۶. تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران، ص ۶۶؛ رک: کلام مسیحی، ص ۴۹-۵۰.

فُوقَانَا؟ قَالَ: لِأَنَّهُ مُتَفَرِّقُ الْآيَاتِ وَالسُّورِ أُتْرِلَتْ فِي غَيْرِ الْأَلْوَاحِ وَغَيْرِهِ مِنَ الصُّحُفِ وَ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ أُتْرِلَتْ كُلُّهَا جَمْلَةً فِي الْأَلْوَاحِ وَ الْوَرَقِ؛
 یزید بن سلام از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - سؤال کرد: چرا قرآن را فرقان نامیده اند؟ فرمود: زیرا آیات و سوره های آن متفرق است و به صورت الواح نازل شده، ولی سایر کتب از قبیل صحف و تورات و انجیل و زبور تمام آنها در الواح و ورق نازل شده است.^۷

در روایات، زمان نزول این کتاب در ماه رمضان بیان شده است.
 حفص بن غیاث گوید:

حضرت صادق - علیه السلام - فرمود که پیغمبر - صلی الله علیه و آله - فرمودند: «صحف ابراهیم - علیه السلام - در شب اول ماه رمضان نازل شده، و تورات در شب ششم ماه رمضان نازل شد، و انجیل در شب سیزدهم نازل شد، و زبور در شب هیجدهم ماه رمضان و قرآن در بیست و سوم ماه رمضان نازل شده است».^۸

ب) محتوای کلی انجیل

قرآن مطالب انجیل را وصف به هدایت و نور کرده است^۹ و از اهل انجیل خواسته تا بدان عمل کنند.^{۱۰}

علامه طباطبایی ذیل آیه «وَلِأَجْلِ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ»^{۱۱} می گوید:

دلالیت آیه بر این است که عیسی - علیه السلام - همه احکام تورات را امضا کرده، مگر چند حکمی را که خدای تعالی به دست وی نسخ نموده و آن چند حکم عبارت بوده از احکامی که بر یهود شاق و گران می آمده است. و لذا بعضی گفته اند: انجیل کتاب شریعت و احکام نیست؛ چون حکمی در آن نیامده است.^{۱۲}

۷. علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۷۰؛ بحار الانوار، ج ۹، ص ۳۰۴.

۸. الکافی، ج ۲، ص ۶۲۹.

۹. سوره مائده، آیه ۴۶.

۱۰. سوره مائده، آیه ۴۷.

۱۱. سوره آل عمران، آیه ۵۰.

۱۲. ترجمه المیزان، ج ۳، ص ۳۱۵.

در باره همین آیه روایتی از امام صادق - علیه السلام - وارد شده است:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَلْبِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - قَالَ: كَانَ بَيْنَ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ - عَلَيْهِمَا السَّلَامُ - أَرْبَعِينَ سَنَةً، وَكَانَ شَرِيعَةُ عِيسَى - عَلَيْهِ السَّلَامُ - أَنَّهُ يُعْتَبَرُ بِالتَّوْحِيدِ وَالإِخْلَاصِ وَبِمَا أَوْصَى بِهِ نُوحٌ وَإِبْرَاهِيمُ وَمُوسَى - عَلَيْهِمُ السَّلَامُ - وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ الإِنجِيلَ وَأَخَذَ عَلَيْهِ المِيثَاقَ الَّذِي أَخَذَ عَلَى التَّيْسِينَ، وَشَرَعَ لَهُ فِي الكِتَابِ إِقَامَ الصَّلَاةِ مَعَ الدِّينِ وَالأَمْرَ بِالمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ المُنْكَرِ وَتَحْرِيمَ الحَرَامِ وَتَحْلِيلَ الحَلَالِ، وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ فِي الإِنجِيلِ مَوَاعِظَ وَأَمْثَالَ وَلَيْسَ فِيهَا قِصَاصٌ وَلَا أَحْكَامٌ حُدُودٌ وَلَا فَرَضٌ مَوَارِيثَ، وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ تَخْفِيفٌ مَا كَانَ نَزَلَ عَلَى مُوسَى - عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي التَّوْرَةِ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ فِي الَّذِي قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ وَالأَجَلَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حَرَّمَ عَلَيْكُمْ وَأَمَرَ عِيسَى مَنْ مَعَهُ يَمَّنِ اتَّبَعَهُ مِنَ المُؤْمِنِينَ أَنْ يُؤْمِنُوا بِشَرِيعَةِ التَّوْرَةِ وَالإِنجِيلِ؛^{۱۳}

امام صادق - علیه السلام - فرمود: بین داود و عیسی - علیه السلام - چهار صد سال فاصله بود. و شریعت عیسی - علیه السلام - این بود که به توحید و اخلاص و به همه آنچه از ناحیه خدای تعالی به نوح و ابراهیم و موسی - علیهم السلام - وحی شده بود، مبعوث بود و کتاب آسمانی انجیل بر او نازل شد و از او میثاقی گرفتند که از همه انبیا گرفته بودند و در کتاب، اقامه نماز همراه دین داری و امر به معروف و نهی از منکر و تحریم حرام و تحلیل حلال برایش تشریح کردند و در انجیل مواعظی و مثل هایی نازل شد، ولی قصاص و احکام حدود و واجبات ارث نبود. و نیز تخفیفی نسبت به آنچه در تورات بر موسی - علیه السلام - نازل شده بود، نازل گردید و خدای تعالی همین قسمت اخیر را از قول عیسی - علیه السلام - حکایت کرده که فرموده: «وَالْأَجَلَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حَرَّمَ عَلَيْكُمْ» و نیز عیسی - علیه السلام - پیروانش را مأمور کرد به این که به شریعت تورات و انجیل هر دو ایمان بیاورند.

از محتوای این روایت می توان دریافت شریعت حضرت عیسی - علیه السلام - جز در برخی موارد ناسخ شریعت موسی - علیه السلام - نبوده است. از همین رو است که قرآن در دو مورد تأکید می کند که خداوند تورات و انجیل را با هم به عیسی - علیه السلام - داده است.^{۱۴}

۱۳. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۷۵؛ بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۲۳۴.

۱۴. سوره آل عمران، آیه ۴۸؛ سوره مائده، آیه ۱۱۰.

امام رضا - علیه السلام - در مناظره خویش در خراسان خطاب به رأس الجالوت می فرماید:

قَالَ الرَّضَا - عَلَيْهِ السَّلَامُ - : فَقَدْ قَالَ دَاوُدُ فِي زُبُورِهِ وَأَنْتَ تَقْرَأُهُ: اللَّهُمَّ ابْعَثْ مُقِيمَ السُّنَّةِ بَعْدَ الْفِتْرَةِ، فَهَلْ تَعْرِفُ نَبِيًّا أَقَامَ السُّنَّةَ بَعْدَ الْفِتْرَةِ غَيْرَ مُحَمَّدٍ؟ قَالَ رَأْسُ الْجَالُوتِ: هَذَا قَوْلُ دَاوُدَ نَعْرِفُهُ، وَلَا تُنْكِرُهُ، وَلَكِنْ عَنَى بِذَلِكَ عَيْسَى وَآيَامُهُ هِيَ الْفِتْرَةُ. قَالَ لَهُ الرَّضَا - عَلَيْهِ السَّلَامُ - : جَهِلْتَ أَنَّ عَيْسَى لَمْ يَخَالِفِ السُّنَّةَ وَكَانَ مُوَافِقًا لِسُنَّةِ التَّوْرَةِ حَتَّى رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ؛^{۱۵}

داود در زبور خود که آن را توفرائت می کنی فرموده است خدایا به پا دارنده سنت را بعد از يك فترت بفرست آیا پیامبری می شناسی که سنت به پا دارد بعد از فترت جز حضرت محمد - صلی الله علیه وآله - ؟ رأس الجالوت گفت: این سخن داود است، منکر آن نیستم، ولی منظورش عیسی - علیه السلام - بوده و ایام او فترت است. حضرت رضا - علیه السلام - فرمود: نمی دانی عیسی - علیه السلام - مخالف سنت نبود؛ او موافق سنت تورات بود تا خداوند او را به سوی خود بالا برد؟

در انجیل متی به همین مطلب تأکید شده است:

گمان مبرید که آمده ام تا تورات موسی و نوشته های سایر انبیا را منسوخ کنم. من آمده ام تا آنها را تکمیل نمایم و به انجام رسانم. به راستی به شما می گویم که از میان احکام تورات، هر آنچه که باید عملی شود، همه یک به یک عملی خواهند شد. پس اگر کسی از کوچک ترین حکم آن سرپیچی کند و به دیگران نیز تعلیم دهد که چنین کنند او در ملکوت آسمان از همه کوچک تر خواهد بود.^{۱۶}

پس در مجموع می توان گفت غالب مباحث انجیل، اخلاقی بوده است. البته نه این که مطالبی از احکام در آن نیامده است، بلکه چون حکمت الهی این بوده، که شریعت حضرت موسی - علیه السلام - به وسیله حضرت عیسی - علیه السلام - ادامه یابد، نیازی به احکام گسترده نبوده است و جز در موارد اندکی که مقتضیات عصر حضرت عیسی - علیه السلام - ایجاد می کرده که تغییراتی بیابد، همان شریعت موسی - علیه السلام -

۱۵. التوحید، ص ۴۲۸؛ عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۶۵؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۲۲.

۱۶. متی، فصل ۵، آیه ۱۷-۱۹.

پی گیری شده است و چون قرار بوده آیینی متعالی تر ارائه گردد، در حوزه پرورش اخلاق و صفات پسندیده تمرکز یافته است.

اهل بیت و انجیل اهل کتاب

برخی از کاربردهای روایات از انجیل، ناظر به نوشتاری است که نزد مسیحیان مخاطب اهل بیت موجود بوده است. این کاربرد در مواردی است که اهل بیت در مناظرات و احتجاجات خویش با اهل کتاب، از کتاب آنان تعبیر به انجیل کرده‌اند که از باب «مجازات در استعمال»^{۱۷} است؛ اما این که مصداق انجیل آن دوران ناظر به کدام یک از اناجیل موجود است، جای پرسش دارد.

برای روشن شدن بحث لازم است، مختصری در باره اناجیل و اعتبار آنها در میان مسیحیان گفته شود.

چهار کتاب آغازین عهد جدید (انجیل متی، مرقس، لوقا و یوحنا) انجیل خوانده می‌شود و گونه‌ای از ادبیات الهامی است که به مسیحیت اختصاص دارد.^{۱۸}

به موازات اناجیل اربعه، از ده‌ها کتاب دیگر با عنوان انجیل نام برده شده است و محتوای آن، زندگی و سخنان حضرت عیسی - علیه السلام - است، اما دقیقاً قالب و چارچوب این چهار انجیل را رعایت نکرده است. در سیر تاریخی اناجیل برخی از این‌ها به رسمیت شناخته شده و برخی غیر قانونی تلقی شدند.

الف) اناجیل قانونی

اناجیل چهارگانه متی، لوقا، مرقس و یوحنا از نظر مسیحیان اناجیل قانونی هستند که هیچ انجیل دیگری با این‌ها مقابله نمی‌کند. آنها معتقدند کاتبان مسیحی از قرن دوم میلادی شروع به اقتباس این اناجیل و شرح آن گرفتند و اقدام به ترجمه آن به زبان‌های مختلفی مانند سریانی، مصری و لاتینی کردند و لذا هیچ شکی نمی‌ماند در این که این اناجیل سندهای صحیح و صادقی از رسولان است.^{۱۹}

۱۷ مجازات استعمال بدین معناست که گوینده در انتقال پیام به مخاطب خویش، با وی همراهی در لفظ کرده و در مقام استعمال، همان لفظی را به کاربرد که برای مخاطب قابل فهم باشد.

۱۸. کلام مسیحی، ص ۴۳.

۱۹. رک: قاموس کتاب مقدس، ص ۱۱۱-۱۱۳؛ الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۲۰؛ احتجاج الرضا - علیه السلام - علی أهل الکتاب و المجرس و رئیس الصابئین و غیرهم، ص ۴۱۵.

ب) اناجیل غیرقانونی

به موازات چهار عنوان نوشته‌ای که در مجموعه عهد جدید وجود دارد، یعنی انجیل، اعمال، نامه و مکاشفه، نوشته‌های دیگری با همین عناوین به وجود آمده که در مجموعه عهد جدید قانونی پذیرفته نشده است. بخش عمده این نوشته‌ها تحت عنوان انجیل قرار دارد که به گونه‌ای به زندگی و شخصیت و تعالیم عیسی یا بخشی از آنها می‌پردازد. این اناجیل در بسیاری از موارد با اناجیل رسمی اختلاف دارد و زندگی حضرت عیسی را به گونه دیگری نشان می‌دهد؛ مانند: انجیل یعقوب، انجیل نیکودیموس، انجیل ایونی‌ها، انجیل مصری‌ها، انجیل عبرانی‌ها، انجیل گنوسی‌ها، انجیل پطرس، انجیل کودکی نوشته توماس و انجیل کودکی عربی. در برخی از این اناجیل گزارش زندگی عیسی در بخش‌هایی با گزارش قرآن مجید از این ماجرا نزدیک و شبیه است.^{۲۰}

ج) انجیل برنابا

شایسته است که در این مجال به انجیلی ویژه به نام *برنابا* اشاره گردد. امروزه انجیل دیگری در دست است که «انجیل برنابا» خوانده می‌شود. این نوشته مکرر تصریح کرده که آن را برنابای حواری نوشته است:

و مسیح رو به نامه نگار کرد و فرمود: ای برنابا، برتوست که انجیل من و آنچه در مدت بودن من در این جهان اتفاق افتاده، حتماً بنویسی.^{۲۱}

ویژگی مهم این نوشته آن است که به صورت مکرر و حتی با نام، آمدن پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - و خاتمیت او را با صراحت بیان کرده است.^{۲۲} این نوشته به لحاظ حجم، ظاهراً از همه نوشته‌های قانونی و غیرقانونی موجود مفصل‌تر است. بسیاری از مفسران معاصر شیعه و سنی از جمله علامه طباطبایی،^{۲۳} سید قطب،^{۲۴} دروزه^{۲۵} و... این انجیل را به عنوان انجیل هم‌خوان با داستان‌های قرآن تلقی کرده‌اند.^{۲۶}

۲۰. کلام مسیحی، ص ۵۱-۵۲.

۲۱. *برنابا*، فصل ۲۲۱، آیه ۱.

۲۲. همان، فصل ۴۹، آیه ۱۴، فصل ۵۴، آیه ۹، فصل ۵۵، آیه ۲۰ و فصل ۱۶۳، آیه ۸.

۲۳. *المیزان*، ج ۳، ص ۳۱۵.

۲۴. *فی ظلال القرآن*، ج ۲، ص ۸۰۲.

۲۵. *التفسیر الحدیث*، ج ۲، ص ۴۶۴.

۲۶. برای نمونه‌های بیشتر: رک: *بیان المعانی*، ج ۵، ص ۳۴۹؛ *حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر*، ج ۲ مقدمه، ص ۶۱۸؛

به اعتقاد مسیحیان، انجیل برنابا یکی از تألیفات جعل شده در قرون وسطی است که به دروغ به برنابا، شاگرد مسیح، منتسب شده است.^{۲۷} از صریح روایات می توان دریافت که اهل بیت، اهل کتاب را با اناجیل اربعه مورد خطاب قرار می دهند و از اناجیل اربعه در روایت امام رضا - علیه السلام - به « هَذَا الْإِنْجِيلِ الَّذِي فِي أَيْدِيكُمْ الْيَوْمَ » تعبیر شده است. این روایت - که یکی از مهم ترین روایات در تاریخ انجیل است - به صراحت، از اناجیل اربعه نام می برد.

قَالَ الرَّضَا - عَلَيْهِ السَّلَامُ - يَا جَائِلِيُّ! أَلَا تُخْبِرُنِي عَنِ الْإِنْجِيلِ الْأَوَّلِ حِينَ افْتَقَدْتُمُوهُ عِنْدَ مَنْ وَجَدْتُمُوهُ وَمَنْ وَضَعَ لَكُمْ هَذَا الْإِنْجِيلَ؟ قَالَ لَهُ: مَا افْتَقَدْنَا الْإِنْجِيلَ إِلَّا يَوْمًا وَاحِدًا حَتَّى وَجَدْنَاهُ عَصَا طَرِيًّا، فَأَخْرَجَهُ إِلَيْنَا يُوْحَنَّا وَمَتَّى. فَقَالَ لَهُ الرَّضَا - عَلَيْهِ السَّلَامُ -: مَا أَقَلَّ مَعْرِفَتِكَ بِسِرِّ الْإِنْجِيلِ وَعُلَمَائِهِ، فَإِنَّ كَانَ هَذَا كَمَا تَزْعُمُ، فَلِمَ اخْتَلَفْتُمْ فِي الْإِنْجِيلِ؟ وَ إِنَّمَا وَقَعَ الْاِخْتِلَافُ فِي هَذَا الْإِنْجِيلِ الَّذِي فِي أَيْدِيكُمْ الْيَوْمَ، فَلَوْ كَانَ عَلَى الْعَهْدِ الْأَوَّلِ لَمْ تَخْتَلِفُوا فِيهِ وَ لَكِنِّي مُفِيدُكَ عِلْمَ ذَلِكَ، اعْلَمْ أَنَّهُ لَمَّا افْتَقَدْنَا الْإِنْجِيلَ الْأَوَّلَ اجْتَمَعَتِ النَّصَارَى إِلَى عُلَمَائِهِمْ، فَقَالُوا لَهُمْ: قَتَلِ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَ افْتَقَدْنَا الْإِنْجِيلَ وَ أَنْتُمْ الْعُلَمَاءُ فَمَا عِنْدَكُمْ؟ فَقَالَ لَهُمُ الْوَقَا وَ مَرْقَابُوسُ: إِنَّ الْإِنْجِيلَ فِي صُدُورِنَا وَ نَحْنُ نُخْرِجُهُ إِلَيْكُمْ سَفَرًا سَفَرًا فِي كُلِّ أَحَدٍ فَلَا تَحْزَنُوا عَلَيْهِ وَ لَا تَحْلُوا الْكِنَائِسَ، فَإِنَّا سَتَتَلُوهُ عَلَيْكُمْ فِي كُلِّ أَحَدٍ سَفَرًا سَفَرًا حَتَّى نَجْمَعَهُ كُلَّهُ، فَفَعَدَ الْوَقَا وَ مَرْقَابُوسُ وَ يُوْحَنَّا وَ مَتَّى فَوَضَعُوا لَكُمْ هَذَا الْإِنْجِيلَ، بَعْدَ مَا افْتَقَدْتُمْ الْإِنْجِيلَ الْأَوَّلَ، وَ إِنَّمَا كَانَ هَؤُلَاءِ الْأَرْبَعَةَ تَلَامِيذَ التَّلَامِيذِ الْأَوَّلِينَ، أَعْلِمْتُ ذَلِكَ؟ قَالَ الْجَائِلِيُّ: أَمَّا هَذَا فَلَمْ أَعْلَمْهُ وَ قَدْ عَلِمْتُهُ الْآنَ وَ قَدْ بَانَ لِي مِنْ فَضْلِ عِلْمِكَ بِالْإِنْجِيلِ وَ قَدْ سَمِعْتُ أَشْيَاءَ مِمَّا عَلِمْتُهُ شَهِدَ قَلْبِي أَنَّهَا حَقٌّ وَ اسْتَرَدْتُ كَثِيرًا مِنَ الْفَهْمِ:

حضرت فرمود: ای جائلیق، آن زمان که انجیل نخست را گم کردید، آن را نزد چه کسی یافتید و چه کسی این انجیل را برای شما وضع کرد؟ جائلیق گفت: ما فقط یک روز انجیل را گم کردیم و سپس آن را تروتازه یافتیم، یوحنا و متی آن را برای ما پیدا کردند. فرمود: چقدر نسبت به قصه این انجیل و علمای آن بی اطلاع هستی؟ اگر این مطلب همان طور باشد که تو می گویی، پس چرا در مورد انجیل دچار اختلاف شدید؟ این اختلاف در همین انجیلی است که امروزه در دست دارید، اگر مثل روز نخست بود که در آن دچار اختلاف نمی شدید، ولی من مطلب را برایت روشن می کنم: آن زمان که انجیل نخست

تفسیر عاملی، ج ۲، ص ۷۹.

۲۷. قاموس کتاب مقدس، ص ۱۷۵.

گم شد، مسیحیان نزد علمای خود گرد آمده و گفتند: عیسی بن مریم کشته شده و انجیل را نیز گم کرده‌ایم، شما علما نزد خود چه دارید؟ الوقا و مرقابوس گفتند: ما انجیل را از حفظ هستیم و هر روز يك شنبه يك سفر از آن را برای شما خواهیم آورد، محزون نباشید و کنیسه‌ها را خالی نگذارید، هر يك شنبه، يك سفر از آن را برای شما خواهیم خواند تا تمام انجیل را گرد آوریم. سپس آن حضرت فرمود: الوقا، مرقابوس، یوحنا و متی نشستند و این انجیل را پس از گم شدن انجیل نخست برای شما نگاهشتند، و این چهار نفر شاگردان اولین بودند، آیا این مطلب را می‌دانستی؟ جاثلیق گفت: این مطلب را تا به حال نمی‌دانستم، و از برکت آگاهی شما نسبت به انجیل، امروز برایم روشن شد، و مطالب دیگری را که تو می‌دانستی از شما شنیدم، قلبم شهادت می‌دهد که آنها همه حق است، از فرمایش‌ها شما بسیار استفاده کردم.^{۲۸}

یکی دیگر از دلایلی که نشان می‌دهد که اناجیل اربعه در دوران اهل بیت انجیل اهل کتاب بوده است، گزارش یعقوبی، یکی از مورخان قرن سوم، از انجیل است که بخش‌هایی از همین چهار انجیل را در کتاب خویش آورده است.^{۲۹}

۱. نویسندگان اناجیل اربعه

اکنون بین مسیحیان مشهور است که متی و یوحنا از حواریون حضرت عیسی، و مرقس و لوقا از شاگردان شاگردان مسیح هستند.^{۳۰}

بر اساس روایت امام رضا - علیه السلام - نویسندگان اناجیل اربعه شاگردان شاگردان مسیح - علیه السلام - بوده‌اند با این استدلال که اگر این اناجیل مربوط به عهد اول مسیحیت، یعنی زمان حضور حضرت عیسی بود، در این اناجیل اختلاف وجود نداشت؛ در حالی که جاثلیق در این مناظره، متی و یوحنا را جزء حواریون بیان می‌کند. البته این تفکر که دو تن از نویسندگان اناجیل از حواریون بوده‌اند، در زمان اهل بیت بوده است؛ چرا که یعقوبی نیز در معرفی نویسندگان انجیل می‌گوید: چهار نفری که انجیل را نوشتند، متی، مرقس، لوقا و یوحنا بوده‌اند که دو تا از آنها جز دوازده حواری بودند و دو تا از غیر آنها.^{۳۱}

۲۸. الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۲۰؛ التوحید، ص ۴۲۵؛ عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۶۲.

۲۹. رک: تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۶۹-۷۹.

۳۰. رک: قاموس کتاب مقدس، ص ۷۷۲، ۷۸۲، ۷۹۲ و ۹۶۶-۹۶۷.

۳۱. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۶۹.

گفتنی است که پژوهش‌های اخیر مسیحیت با دیدگاه امام رضا - علیه السلام - همخوانی زیادی دارد؛ چرا که امروزه بیشتر محققان بر آن اند که هیچ یک از انجیل هم‌نوا^{۳۲} قبل از سال ۶۴ میلادی نگاشته نشده است؛ هر چند قبلاً گمان می‌رفت که این انجیل قبل از این زمان نوشته شده‌اند، و حتی گاهی زمان نگارش برخی از آنها را به قبل از سال ۴۰ میلادی برمی‌گردانیدند. انجیل مرقس - که در حدود سال هفتاد میلادی نوشته شده - نخستین انجیل مکتوب عهد جدید است. انجیل نویسی در اواسط دهه شصت میلادی آغاز گشت. در این زمان، ابتدا انجیل مرقس، پس از آن متی و سپس لوقا نوشته شدند. نزدیک به پایان قرن اول، انجیل یوحنا نوشته شد.^{۳۳}

در نتیجه از آنجایی که عروج عیسی - علیه السلام - در سال سی میلادی است، به طور قطع، نوشتن این انجیل در عهد اول مسیحیت نبوده است و طبیعتاً هیچ یک از نویسندگان انجیل، مسیح را درک نکرده‌اند.

۲. منشأ انجیل اربعه

مسیحیان معتقدند پیش از نوشته شدن انجیل یک سنت شفاهی وجود داشت. به عقیده آنان، عیسی - علیه السلام - در حدود سال ۳۰ وفات یافت و کسانی که از او پیروی کرده‌اند، وی را شناخته، کارهایش را دیده و سخنان را شنیده بودند، خاطرات خویش از او را در حافظه نگه می‌داشتند. هنگامی که مسیحیان نخستین برای عبادت گرد می‌آمدند، آن خاطرات نقل می‌شد. اندک اندک این منقولات شکل مشخصی یافت و بر حجم آنها افزوده شد.^{۳۴}

از روایت امام رضا - علیه السلام - می‌توان دریافت که انجیل چهارگانه بر اساس هر آنچه که این چهار نفر از انجیل اول به یاد داشتند، نوشته شد. بنا بر این، بخش‌هایی از انجیل نازل شده بر حضرت عیسی - علیه السلام - در میان این انجیل جای گرفته است. همین نکته روشن می‌کند که اگر چه نویسندگان انجیل اربعه، انجیل را بر اساس آنچه در ذهنشان داشتند، نوشتند، اما نمی‌توان گفت که همه این محفوظات اشکال داشته است،

۳۲. انجیل هم‌نوا، نامی است که به انجیل متی، مرقس و لوقا از عهد جدید اطلاق می‌شود. انجیل مذکور از جهت محتوا، ادبیات و زبان به کاررفته، ساختار جمله‌ها و بندها و ترتیب بیان مطالب، بسیار به هم شبیه هستند و نقطه نظرات مشترکی دارند.

۳۳. «عهد جدید؛ تاریخ نگارش و نویسندگان»، ص ۸۳-۸۴.

۳۴. کلام مسیحی، ص ۴۳-۴۴؛ رک: «عهد جدید؛ تاریخ نگارش و نویسندگان»، ص ۸۵.

بلکه حقایقی از انجیل واقعی در این اناجیل منعکس شده است.

۳. نظر قرآن و اهل بیت در باره مطالب انجیل موجود

روشن شد که اناجیل اربعه کنونی در زمان اهل بیت، انجیل اهل کتاب بوده است. با ملاحظه آیات و روایات می توان نظر قرآن و اهل بیت در باره انجیل فعلی را در چهار گروه دسته بندی کرد:

۱. مقداری از متون آن اصلی است؛
۲. قسمتی از مطالب اصیل آن از بین رفته است؛
۳. مقداری از متون غیر الهی به آن اضافه شده است؛
۴. در کلیت آن تغییر و تبدلات رخ داده است.

الف) متون اصلی

همین که در قرآن از اهل کتاب خواسته شده تا به آن چه در انجیل آمده، پای بند باشند،^{۳۵} نشان از این دارد که برخی از متون انجیل دارای اصالت است. و نیز در جایی که بشارت پیامبر - صلی الله علیه و آله - از موارد موجود در تورات و انجیل آن زمان شمرده می شود:

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ»^{۳۶}

در سوره فتح مثلی را از انجیل نقل می کند:

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»

محمد - صلی الله علیه و آله - فرستاده خداست و کسانی که با او هستند، بر کافران سخت گیر [و] با همدیگر مهربان اند. [همواره] آنها را در رکوع و سجود

۳۵. سوره مائده، آیه ۴۷: «وَلِيُحْكُمَ أَهْلَ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» و باید اهل انجیل مطابق آنچه خدا در آن نازل کرده، حکم کنند و هر که مطابق آیات الهی حکم نکند، آنها قطعاً از اطاعت خدا بیرون رفته اند.»

۳۶. سوره اعراف، آیه ۱۵۷: «هَٰمَانُ كَسَانِي كَهَٰذَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ» پیامبر درس ناخوانده پیروی می کنند که [وصف] او را نزد خویش در تورات و انجیل مکتوب می یابند.»

می‌بینی که فضل و خشنودی خدا را می‌جویند. نشانه آنها اثر سجده‌ای است که در چهره‌هایشان است. این وصف ایشان در تورات است، و وصف آنها در انجیل چون کشته‌ای است که جوانه بزند و آن [جوانه] محکم شود تا به تدریج قوت گیرد و بر ساقه‌های خود بایستد که کشاورزان را به شگفت آورد، [مؤمنان] نیز این گونه به تدریج قوت و فزونی می‌گیرند [تا [انبوهی] آنها کافران را به خشم آورد. خدا به کسانی از آنها که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است.^{۳۷}

استناد قرآن به بخشی از انجیل، حاکی از آن است برخی از آموزه‌های آن دارای اصالت است.

در تطبیق آیه ۲۹ سوره فتح - که مثل یاران پیامبر را در انجیل بیان می‌کند - با انجیل کنونی می‌توان گفت:

در انجیل فعلی، حکایت بزرگی آمده است. این داستان در سه مثل بیان شده است: - کشاورزی که بذر می‌پاشد و این بذرها، در سه مکان مختلف ریخته می‌شود: گذرگاه، سنگلاخ و نیز در خاکی خوب. بذرهایی که در خاک خوب می‌افتد، به بار می‌نشیند. مثل زمین خوب، دل کسی است که پیغام خدا را گوش می‌کند و به دیگران می‌رساند و تعداد زیادی به وی ایمان می‌آورند.^{۳۸}

- دشمنی که دانه‌های هرز در کنار گندم‌ها می‌پاشد و این علف‌ها در کنار گندم‌ها رشد می‌کند. کشاورز در فصل درو علف‌های هرز را درو کرده و خواهد سوزاند و گندم‌ها را انبار می‌کند.^{۳۹}

- مثل ملکوت خدا به دانه خردلی که کوچک‌ترین دانه‌هاست، اما رشد می‌کند و از همه دانه‌ها بزرگ‌تر می‌شود و به اندازه یک درخت می‌شود؛ به طوری که پرنده‌ها می‌آیند و در لابه لای شاخه‌هایش لانه می‌کنند.^{۴۰}

در پایان مسیح این مثل را توضیح می‌دهد:

آن که بذر نیکو می‌کارد، پسرانسان است و مزرعه این جهان است و تخم نیکو پیروان

۳۷. سوره فتح، آیه ۲۹.

۳۸. متی، فصل ۱۳، آیه ۳ - ۹ و ۲۰ - ۲۳؛ مرقس، فصل ۴، آیه ۳ - ۹ و ۱۴ - ۲۰؛ لوقا، فصل ۸، آیه ۴ - ۱۵.

۳۹. متی، فصل ۱۳، آیه ۲۴ - ۳۰.

۴۰. همان، فصل ۱۳، آیه ۳۱ - ۳۲؛ مرقس، فصل ۴، آیه ۲۷ - ۳۳.

ملکوت و علف‌های هرز پیروان شیطان‌اند و دشمنی که آنها را کاشت، ابلیس است و فصل درو آخر الزمان و دروکنندگان فرشتگان‌اند. پس همچنان که علف‌های هرز را جمع کرده در آتش می‌سوزانند، همان طور در عاقبت این عالم خواهد شد که پسرانسان ملائکه خود را فرستاده، همه لغزش دهندگان و بدکاران را جمع خواهند کرد و ایشان را به تنور آتش خواهند انداخت؛ جایی که گریه و فشار دندان بود. آن گاه عادلان در ملکوت پدر خود مثل آفتاب درخشان خواهند شد. هر که گوش شنوا دارد بشنود.

بدین ترتیب، آیه سوره فتح ناظر به این مثل است و چه بسا که این گفته عیسی بشارتی از پیامبر و یارانش بوده است.

روشن شد که قرآن برخی از آموزه‌های انجیل را تأیید کرده است. در روایات اهل بیت -علیهم السلام- نیز بخش‌هایی از انجیل فعلی به عنوان آموزه‌هایی از انجیل حقیقی گزارش شده است.

موسی بن جعفر - علیه السلام - خطاب به هشام بن حکم می‌فرمایند:

يَا هِشَامُ! مَكْتُوبٌ فِي الْإِنْجِيلِ طُوبَى لِمُتَرَجِمِينَ، أُولَئِكَ هُمُ الْمَرْحُومُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛

ای هشام، در انجیل نوشته است: «خوشا بر مهرورزان به يك ديگر، ایشان‌اند که روز قیامت مشمول رحمت می‌گردند».^{۴۱}

این مطلب در انجیل کنونی نیز موجود است در انجیل متی آمده است:

خوشا به حال رحم‌کنندگان؛ زیرا برایشان رحم خواهد شد.^{۴۲}

ب) متون از بین رفته

پیش از این روشن شد که انجیل کنونی بر اساس یک منشأ شفاهی پس از عیسی شکل گرفته است؛ همین امر از دست رفتن بخشی از انجیل اصلی را امری غیر قابل اجتناب می‌کند چراکه احتمال خطا و نسیان در محفوظات ذهن بسیار زیاد است.

اهل بیت در روایات متفاوتی فرازهایی از محتوای انجیل اصلی را گزارش کرده‌اند. روایت زیر یکی از آنهاست:

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ - عَلَيْهِ السَّلَام - فَسَأَلَهُ عَنْ مَسَائِلَ فَأَجَابَ، ثُمَّ عَادَ لِيَسْأَلَ عَنْ مِثْلِهَا، فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ - عَلَيْهِ السَّلَام - : مَكْتُوبٌ فِي الْإِنْجِيلِ لَا تَطْلُبُوا

۴۱. تحف العقول عن آل الرسول، ص ۳۹۳.

۴۲. متی، فصل ۵، آیه ۷.

عَلِمَ مَا لَا تَعْلَمُونَ وَ لَمَّا تَعْمَلُوا بِمَا عَلِمْتُمْ، فَإِنَّ الْعِلْمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِهِ لَمْ يَزِدْ صَاحِبُهُ إِلَّا كُفْرًا وَ لَمْ يَزِدْ مِنَ اللَّهِ إِلَّا بُعْدًا؛

مردی خدمت امام چهارم - علیه السلام - آمد و از او مسائلی پرسید و آن حضرت جواب داد. سپس بازگشت تا همچنان پرسد. حضرت فرمود: در انجیل نوشته است که تا بدان چه دانسته‌اید، عمل نکرده‌اید، از آنچه نمی‌دانید پرسید. همانا علمی که به آن عمل نشود، جز کفر [ناسپاسی] داننده و دوری او را از خدا نیفزاید.^{۴۳}

محتوای این روایت در انجیل فعلی وجود ندارد. پس ناظر به متون انجیل اصلی است که در گذر زمان از بین رفته است.

ج) متون افزوده

امام رضا - علیه السلام - در مناظره خویش در خراسان به اختلاف انجیل اربعه اشاره می‌کند. همین اختلاف نشان می‌دهد که برخی مطالب ناصحیح در انجیل راه یافته است؛ چرا که اگر تمامی مطالب صحیح باشد، تعارض و اختلاف معنایی ندارد. مطالبی در انجیل فعلی یافت می‌شود که خلاف مبانی توحیدی انبیاست و با پذیرش آن قدسیت مسیح زیر سؤال می‌رود؛ مانند شرب خمر مسیح^{۴۴} که قطعاً از متون افزوده به انجیل است.

د) متون تحریفی

انجیل زمان قرآن و اهل بیت - علیهم السلام - همین انجیل بوده، اما با جزئیاتی بیشتر؛ چرا که در روایت امام رضا - علیه السلام - عباراتی از انجیل آمده که مقایسه آن با انجیل موجود نشان می‌دهد که در واقع این بخش از انجیل - که مربوط به بشارات پیامبر بوده - به نوعی مشوش شده است.

قَالَ الرَّصَا - عَلَيْهِ السَّلَامُ - : يَا نَضْرَانِي! هَلْ تَعْرِفُ فِي الْإِنْجِيلِ قَوْلَ عِيسَى - عَلَيْهِ السَّلَامُ - : إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي وَ الْبَارِقَلِيظَا جَاءَ هُوَ الَّذِي يَشْهَدُ لِي بِالْحَقِّ كَمَا شَهِدْتُ لَهُ وَ هُوَ الَّذِي يَقْتَسِرُ لَكُمْ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُوَ الَّذِي يَبْدِي فَصَائِحَ الْأُمَمِ وَ هُوَ الَّذِي يَكْسِرُ عَمُودَ الْكُفْرِ؟ فَقَالَ الْجَائِلِيُّ: مَا ذَكَرْتَ شَيْئًا مِنَ الْإِنْجِيلِ إِلَّا وَ نَحْنُ مُؤْتُونَ بِهِ. فَقَالَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - : أَلَمْ نَجِدْ هَذَا فِي الْإِنْجِيلِ تَابِتًا؟ قَالَ: نَعَمْ؛

امام - علیه السلام - فرمود: آیا با این گفته عیسی - علیه السلام - در انجیل آشنا

۴۳. الکافی، ج ۱، ص ۴۴-۴۵.

۴۴. متی، فصل ۱۱، آیه ۱۹؛ برای نمونه‌ها بیشتر درک: الرحلة المدرسية، ج ۱، ص ۱۵۵.

هستید: «من به سوی خدای شما و خدای خودم خواهم رفت، و فارقلیطا خواهد آمد و اوست که به نفع من و به حق شهادت خواهد داد؛ همان طور که من برای او شهادت دادم، و اوست که همه چیز را برای شما تفسیر خواهد کرد، و اوست که رسوایی‌های امت‌ها را آشکار خواهد کرد، و اوست که ستون خیمه کفر را خواهد شکست»؟ جاثلیق گفت: هر چه از انجیل بخوانی، آن را قبول داریم. امام فرمود: آیا قبول داری این مطلب در انجیل موجود است؟ گفت: آری.^{۴۵}

در بخش دیگر همین مناظره آمده است:

وَ فِي الْإِنْجِيلِ مَكْتُوبٌ أَنَّ ابْنَ الْبَرَّةِ ذَاهِبٌ وَالْفَارَقْلِيظَا جَاءَ مِنْ بَعْدِي هُوَ يَحْفَظُ الْأَصَارَ وَ يَفْسِّرُ لَكُمْ كُلَّ شَيْءٍ وَيَشْهَدُ لِي كَمَا شَهِدْتُ لَهُ أَنَا جِئْتُكُمْ بِالْأَمْثَالِ وَ هُوَ يَأْتِيكُمْ بِالتَّوِيلِ، أَتُؤْمِنُ بِهَذَا فِي الْإِنْجِيلِ؟ قَالَ نَعَمْ لَا أَنْكُرُهُ؛

و در انجیل چنین آمده است: «پسر زن نیکوکار می‌رود و فارقلیطا بعد از او خواهد آمد. و او کسی است که سنگینی‌ها و سختی‌ها را آسان کرده و همه چیز را برایتان تفسیر می‌کند، و همان طور که من برای او شهادت می‌دهم، او نیز برای من شهادت می‌دهد، من امثال را برای شما آوردم، او تأویل را برایتان خواهد آورد». آیا به این مطلب در انجیل ایمان داری؟ گفت: بله، آن را انکار نمی‌کنم.^{۴۶}

در انجیل یوحنا ی فعلی مطالبی که در مورد فارقلیط آمده، به نوعی مشوش شده و در واقع، از معنای اصلی منحرف شده است:^{۴۷}

و من به شما راست می‌گویم که رفتن من برای شما مفید است؛ زیرا اگر نروم تسلی دهنده (فارقلیط) نزد شما نخواهد آمد؛ اما اگر بروم، او را نزد شما می‌فرستم و چون او آید، جهان را بر گناه و عدالت و داوری ملزم خواهد نمود. اما بر گناه، زیرا که به من ایمان نمی‌آورند. و اما بر عدالت از آن سبب که نزد پدر خود می‌روم و دیگر مرا نخواهید دید و اما بر داوری از آن رو که بر رئیس این جهان حکم شده است. و بسیاری چیزهای دیگر نیز دارم که به شما بگویم،

۴۵. الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۲۰.

۴۶. همان، ص ۴۲۲؛ التوحید، ص ۴۲۸.

۴۷. یوحنا، فصل ۱۴، آیه ۱۷-۱۵ و ۲۵-۲۶؛ فصل ۱۵، آیه ۲۶-۲۷؛ فصل ۱۶، آیه ۵-۱۵.

لكن الان طاقت تحمل آنها را ندارید. و لكن چون او، یعنی روح راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد؛ زیرا که از خود تکلم نمی‌کند، بلکه به آنچه شنیده است، سخن خواهد گفت و از امور آینده خبر خواهد داد. او مرا جلال خواهد داد؛ زیرا که از آنچه آن من است، خواهد گرفت و به شما خبر خواهد داد. هر چه از آن پدراست، از آن من است. از این جهت گفتم که از آنچه آن من است می‌گیرد و به شما خبر خواهد داد.^{۴۸}

همان طور که ملاحظه می‌شود بی‌ربطی برخی جملات به هم کاملاً روشن و هویداست. گزارش ابن قتیبه دینوری (۲۱۳-۲۷۶ق) از انجیل یوحنا تغییرات این عبارات را روشن می‌کند:

قال ابن قتیبه... فی حکایة یوحنا عن المسیح أنه قال: الفارقلیط لا یحییئک ما لم أذهب، فیذا جاء سیح العالم من الخطیئة، ولا یقول من تلقاء نفسه، ولكنه مما یسمع به یکلمکم و یسوسکم بالحق و یخبرکم بالحوادث و الغیوب.^{۴۹}

معنای عبارت ابن قتیبه این گونه است: اگر من نروم فارقلیط به سوی شما نمی‌آید، اگر بیاید، عالم را از گناه پاک می‌کند و از جانب خویش چیزی نمی‌گوید و هر آنچه می‌شنود، به شما می‌گوید و با حق امور شما را سرپرستی می‌کنند و به حوادث و امور غیبی آگاه می‌سازد.

از مقایسه این دو متن، می‌توان گفت اجزای عبارت ابن قتیبه در انجیل یوحنا کنونی موجود است، اما موضع کلام به گونه‌ای تحریف شده که متن، مشوش به نظر می‌رسد. یکی دیگر از دلایل تحریف در عبارت فارقلیط، گزارش یعقوبی از انجیل است. در تطبیق گزارش یعقوبی از فصل اول انجیل یوحنا با عبارات انجیل فعلی، الفاظ بسیار شبیه به هم است و این نشان می‌دهد که همین انجیل نزد وی بوده است؛ اما در بشارت فارقلیط عبارات متفاوت است.^{۵۰}

در عبارات انجیل یوحنا فعلی، نوعی تشویش وجود دارد. در واقع، کسانی که اقدام به تغییراتی در این کتاب کرده‌اند، اولاً به نوعی فارقلیط و روح الحق را از معنای اصلی - که بشارت به یک پیامبر هست - منحرف کرده‌اند و ثانیاً عبارات را به نوعی جلوه داده‌اند که

۴۸. همان، فصل ۱۶، آیه ۷-۱۵.

۴۹. إمتاع الأسماع، ج ۳، ص ۳۹۰.

۵۰. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۷۵-۷۶.

حاکمی از این است که روح الحق و فارقلیط شخصیتی دون مسیح است که با عبارات: «و لکن إن ذهب أرسله إليكم» و یا «لأنه يأخذ ممالي ويخبركم» به نوعی ادبیات عیسی خدایی را در این متن حاکم کرده است. از همین رو است که عده‌ای قایل شده‌اند که مراد از فارقلیط پیامبر اسلام نیست؛ چون فارقلیط در این متن از مسیح پایین‌تر است. و مبنای ایشان این است که همین انجیل با همین الفاظ در زمان پیامبر بوده است.^{۵۱} پس به طور قطع و یقین بعد از ائمه - علیهم السلام - نیز تحریفاتی در انجیل اتفاق افتاده است.

۵.۳. بخش‌های اصیل انجیل موجود از نگاه اهل بیت

همان‌طور که گذشت، بخش‌هایی از انجیل کنونی دارای اصالت است و نیز منقولات متعددی از اهل بیت به گزارش محتوای انجیل پرداخته‌اند. برای پیدا کردن مطالب صحیح باقیمانده در انجیل موجود این روایات با انجیل اربعه و نیز انجیل برنابا، به عنوان یکی از انجیل مورد توجه مسلمانان، تطبیق شد. جدول زیر بخش‌هایی از انجیل کنونی را - که در روایات مشابهی داشته است - نشان می‌دهد. از نتایج مهم این تطبیق، آن‌که بیشترین سهم در این مجموعه از آن انجیل متی است و انجیل یوحنا نیز اختصاصاً به بشارت فارقلیط پرداخته است.

در تطبیق انجیل برنابا با این روایات روشن می‌شود که به جز مواردی اندک، همان چیزی در تطبیق‌ها وجود دارد که در انجیل چهارگانه نیز هست.

توضیحات	نشانی روایات	نشانی انجیل
	تحف العقول، ص ۳۹۳	متی، فصل ۵، آیه ۷
اختلاف تعبیر	تحف العقول، ص ۳۹۳	متی، فصل ۵، آیه ۹
	تحف العقول، ص ۳۹۳ و ۵۰۱	متی، فصل ۵، آیه ۸
اختلاف تعبیر	تحف العقول، ص ۳۹۳ و ۵۰۱	متی، فصل ۵، آیه ۵ متی، فصل ۱۸، آیه ۴
مشابهت برخی عبارات	تحف العقول، ص ۵۰۴	متی، فصل ۲۳، آیه ۱۱-۱۲
	تحف العقول، ص ۵۰۱	متی، فصل ۵، آیه ۳ برنابا، فصل ۱۶، آیه ۱۴ لوقا، فصل ۶، آیه ۲۰

۵۱. «قرآن کریم و بشارت‌های پیامبران»، ص ۵۲.

توضیحات	نشانی روایات	نشانی انجیل
	تحف العقول، ص ۵۰۱	متی، فصل ۵، آیه ۴ لوقا، فصل ۶، آیه ۲۱ برنابا، فصل ۱۶، آیه ۱۳
	تحف العقول، ص ۵۰۱	متی، فصل ۵، آیه ۶ لوقا، فصل ۶، آیه ۲۱
	تحف العقول، ص ۵۰۱	متی، فصل ۵، آیه ۱۰
	تحف العقول، ص ۵۰۱	متی، فصل ۵، آیه ۱۱-۱۲ لوقا، فصل ۶، آیه ۲۲-۲۳
	تحف العقول، ص ۵۰۱	متی، فصل ۷، آیه ۳ لوقا، فصل ۶، آیه ۴۱
	تحف العقول، ص ۵۰۱	برنابا، فصل ۴۵، آیه ۷
	تحف العقول، ص ۵۰۱	متی، فصل ۲۳، آیه ۲۸
	تحف العقول، ص ۵۰۱	متی، فصل ۲۳، آیه ۲۷ لوقا، فصل ۱۱، آیه ۴۴ برنابا، فصل ۴۵، آیه ۲۳-۲۴
	تحف العقول، ص ۵۰۴	متی، فصل ۷، آیه ۱۵-۲۰ متی، فصل ۱۲، آیه ۳۳-۳۴ لوقا، فصل ۶، آیه ۴۳-۴۵
مشابہتی اندک	تحف العقول، ص ۵۰۲	برنابا، فصل ۱۸، آیه ۱۸
	تحف العقول، ص ۵۰۳	متی، فصل ۵، آیه ۴۳-۴۸ لوقا، فصل ۶، آیه ۲۷-۲۸ لوقا، فصل ۶، آیه ۳۲-۳۴ برنابا، فصل ۱۸، آیه ۲۰-۲۱ برنابا، فصل ۱۸، آیه ۲۴-۲۳
	تحف العقول، ص ۵۰۳	متی، فصل ۶، آیه ۱۹-۲۱ لوقا، فصل ۱۲، آیه ۳۳-۳۴ مرقس، فصل ۱۰، آیه ۲۱
	تحف العقول، ص ۵۰۳	متی، فصل ۶، آیه ۲۴ لوقا، فصل ۱۶، آیه ۱۳ برنابا، فصل ۱۶، آیه ۶
	تحف العقول، ص ۵۰۹	متی، فصل ۵، آیه ۳۳-۳۴ متی، فصل ۵، آیه ۳۷
	تحف العقول، ص ۵۱۰	برنابا، فصل ۵۷، آیه ۱۳

نشانی انجیل	نشانی روایات	توضیحات
متی، فصل ۱۲، آیه ۳۶-۳۷		
متی، فصل ۵، آیه ۳۹-۴۱ لوقا، فصل ۶، آیه ۲۹ برنابا، فصل ۱۸، آیه ۱۹ برنابا، فصل ۱۹۶، آیه ۱۴ متی، فصل ۶، آیه ۱۲	تحف العقول، ص ۵۱۰، أمالی صدوق، ص ۳۶۶	
برنابا، فصل ۱۰۹، آیه ۲-۴	تنبيه الخواطر، ج ۱، ص ۴۷؛ شرح نهج البلاغة، ج ۱۹، ص ۱۸۸	مشابهتی اندک
برنابا، فصل ۱۴۵، آیه ۲۸	المحاسن، ج ۲، ص ۴۴۷	
لوقا، فصل ۱۸، آیه ۲۴-۲۵ متی، فصل ۱۹، آیه ۲۳-۲۴ مرقس، فصل ۱۰، آیه ۲۴-۲۵	عدة الداعي، ص ۱۲۳؛ بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۵۵	
برنابا، فصل ۱۲۴، آیه ۳	المحاسن، ج ۱، ص ۲۲۹؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۶	
برنابا ۱۴۵، آیه ۱۵-۱۶ برنابا، فصل ۱۴۵، آیه ۲۲ برنابا، فصل ۱۴۵، آیه ۲۷	مصباح الشريعة، ص ۱۰۰	
متی، فصل ۶، آیه ۳۴	تنبيه الخواطر، ج ۲، ص ۲۲۹	
متی، فصل ۶، آیه ۱۶-۱۷ متی، فصل ۶، آیه ۳ متی، فصل ۶، آیه ۶	شرح نهج البلاغة، ج ۲، ص ۱۸۱؛ تنبيه الخواطر، ج ۱، ص ۱۸۷	
برنابا، فصل ۱۱۸، آیه ۵ متی، فصل ۶، آیه ۲۲-۲۳	الأمالی مفید، ص ۲۰۸؛ تحف العقول، ص ۳۰۵ تنبيه الخواطر، ج ۱، ص ۶۲	
یوحنا، ۱۴، آیه ۱۷-۱۵ یوحنا، ۱۴، آیه ۲۵-۲۶ یوحنا، ۱۵، آیه ۲۶-۲۷ یوحنا، ۱۶، آیه ۵-۱۵	عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۶۶؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۲۲ عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۶۲؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۲۰	
متی، فصل ۱۳، آیه ۳-۹ و ۲۰- ۲۳؛ مرقس، فصل ۴، آیه ۳-۹ و ۱۴-۲۰؛ لوقا، فصل ۸، آیه ۴-۱۵ متی، فصل ۱۳، آیه ۲۴-۳۰ متی، فصل ۱۳، آیه ۳۱-۳۲؛ مرقس، فصل ۴، آیه ۲۷-۳۳	آیه ۲۹ سوره فتح (مثل یاران پیامبر در انجیل)	

نشانی انجیل	نشانی روایات	توضیحات
متی، فصل ۱۳، آیه ۳۷ - ۴۳		

نتیجه

- با توجه به آنچه آمد، می توان نتایج زیر را برشمرد:
۱. اهل بیت، انجیل را به عنوان کتابی مشتمل بر مواظظ و امثال معرفی می کنند و بر نزول آن به صورت مجموعه ای مکتوب، تأکید دارند.
 ۲. اناجیل اربعه کنونی، انجیل اهل کتابِ مخاطبِ قرآن و اهل بیت بوده است.
 ۳. در نگاه اهل بیت، اناجیل موجود حاصل محفوظات شاگردان شاگردان حضرت مسیح از انجیل اولیه است.
 ۴. اهل بیت برخی از آموزه ای انجیل فعلی را صححه گذاشته اند و همین امر نشان می دهد که انعکاساتی از انجیل اصیل حضرت عیسی در انجیل کنونی نیز وجود دارد.
 ۵. لزومی ندارد که انجیل برنابا به عنوان انجیل اهل کتاب دوران پیامبر و ائمه تلقی شود؛ به ویژه این که دفاع از قدمت این نوشته کار مشکلی است.

کتابنامه

- الإحتجاج علی أهل اللجاج، ابو منصور احمد بن علی طبرسی، مشهد: نشر مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
- الأمالی، شیخ صدوق، بیروت: اعلمی، چاپ پنجم، ۱۴۰۰ق.
- الأمالی، شیخ مفید، قم: کنگره جهانی شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- إمتاع الأسماع، تقی الدین احمد بن علی مقریزی، لبنان: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
- انجیل برنابا، ترجمه: سردار کابلی، تهران: المعی، چاپ ششم، ۱۳۸۶ش.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، محمد باقر مجلسی، بیروت: مؤسسة الوفاء، چاپ چهارم، ۱۴۰۴ق.
- البلد الأمين، ابراهیم بن علی کفعمی، چاپ سنگی.
- بیان المعانی، عبدالقادر ملاحویش آل غازی، دمشق: مطبعة الترقی، چاپ اول، ۱۳۸۲ق.
- تاریخ الیعقوبی، احمد بن ابی یعقوب یعقوبی، بیروت: دار صادر، [بی تا].
- تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران، ویلیام میلر، ترجمه: علی نخستین، تهران:

- انتشارات حیات ابدی، چاپ دوم، ۱۹۸۱م.
- تحف العقول عن آل الرسول، حسن بن شعبه حرانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- التفسیر الحدیث، محمد عزت دروزه، قاهره: دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۸۳ق.
- تفسیر العیاشی (کتاب التفسیر)، محمد بن مسعود عیاشی، تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ق.
- تفسیر عاملی، ابراهیم عاملی، تهران: انتشارات صدوق، ۱۳۶۰ش.
- التوحید، شیخ صدوق، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ اول، ۱۳۹۸ق.
- جمال الأسبوع، سید علی بن موسی بن طاووس، قم: شریف رضی، [بی تا].
- حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، سید عبد الحجت بلاغی، قم: حکمت، ۱۳۸۶ق.
- الرحلة المدرسیة، محمد جواد بلاغی، بیروت: دار الزهراء، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- عدة الداعی ونجاح الساعی، ابن فهد حلی، قم: دارالکتب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
- علل الشرائع، شیخ صدوق، قم، داوری، چاپ اول، [بی تا].
- عیون أخبار الرضا - علیه السلام - شیخ صدوق، تهران: جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸ق.
- فی ظلال القرآن، سید قطب، بیروت: دارالشروق، چاپ هفدهم، ۱۴۱۲ق.
- قاموس کتاب مقدس، مستر هاکس، تهران: اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ش.
- کلام مسیحی، توماس میشل، ترجمه: حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.
- مجموعه ورام (تنبیه الخواطر)، ورام ابن ابی فراس، قم: مکتبة الفقیه، چاپ اول، [بی تا].
- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، قم: دارالکتب الإسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۷۱ق.
- مصباح الشریعة، منسوب به امام جعفر صادق - علیه السلام - [بی جا]، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۰۰ق.
- المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبائی، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش.

- المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبایی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
- «عهد جدید؛ تاریخ نگارش و نویسندگان»، عبدالرحیم سلیمانی، فصلنامه هفت آسمان، ۱۳۷۸، ش ۳ و ۴.
- «قرآن کریم و بشارت‌های پیامبران»، عبدالرحیم سلیمانی، فصلنامه هفت آسمان، ۱۳۸۱، ش ۱۶.

